

روش‌های تکریم شخصیت کودکان در خانواده

مرضیه عباس‌زاده^۱

چکیده

یکی از روش‌های صحیح و کارآمد در تربیت انسان روش احترام و تکریم شخصیت است که درواقع از مهم‌ترین عوامل رشد شخصیت انسان محسوب می‌شود. از آنجا که روان‌شناسان معتقدند سیر بنای شخصیت انسان در کودکی شکل می‌گیرد و اگر تکریم شخصیت کودکان مورد غفلت خانواده‌ها قرار بگیرد، ممکن است پیامدهای ناگواری به دنبال داشته باشد، این ضرورت ایجاد شد تا به تحقیق درباره روش‌های تکریم شخصیت کودکان در خانواده بپردازیم. این پژوهش، که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی به سامان رسیده است، این نتیجه را ارائه می‌دهد که ازجمله روش‌های مؤثر در تکریم شخصیت کودکان در خانواده می‌توان به عدم افراط و تفریط در محبت، هم‌بازی شدن با کودک، مقایسه نکردن او با دیگران و رعایت اعتدال میان فرزندان اشاره کرد.

واژگان کلیدی

تکریم، تکریم شخصیت، محبت، اعتماد به نفس.

^۱ طلبه پایه پنجم سطح دو حوزه علمیه کوثر ابرکوه؛ پست الکترونیکی: marzieh3848@gmail.com

مقدمه

روان‌شناسان معتقدند پایه‌های شخصیت انسان در کودکی شکل می‌گیرد و کودکی دوره‌ای است که کودک در آن زمان بیشترین تأثیرپذیری را دارد و همچنین معتقدند در این دوره (کودکی) مهم‌ترین عامل مؤثر در رشد و تکامل شخصیت کودک محیط خانواده و اطرافیان او هستند. و از آن جهت که یکی از مهم‌ترین روش‌های تربیتی، شیوه تکریم شخصیت است و اثرگذاری آن بر کسی پوشیده نیست، لذا پژوهش حاضر درصدد آن است که به بررسی شیوه‌های تکریم شخصیت کودکان در خانواده بپردازد.

تحقیق پیش رو در زمره علوم روان‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مطالعات بین‌رشته‌ای قرار می‌گیرد و لذا بخشی از آثار نویسندگان علوم مذکور را به خود اختصاص داده است. آثاری از صاحبان طرح و اندیشه در عرصه‌های علوم انسانی جلوه می‌کند، از جمله کتاب کلیدها و تکنیک‌های طلایی تربیت برتر نوشته رضا کریمی و همچنین کتاب من دیگر ما نوشته محسن عباسی ولدی. تفاوت این مقاله با کتاب‌های ذکر شده در این است که این کتاب‌ها بیشتر جنبه روانشناسی دارد ولی تحقیق حاضر، روش‌های تکریم را نه تنها از جنبه روانشناسی بلکه از سیره معصومین نیز بهره گرفته است. و مقاله «اهمیت و نقش تربیتی تکریم کودکان و برخی راهکارهای عملی» نوشته مهناز بتول و مقاله «راهبردهای تکریم شخصیت در سیره معصومین» نوشته اسماعیل نساجی زواره. تفاوت مقالات مذکور با تحقیق پیش رو در این است که در این مقالات به بررسی نقش تربیتی تکریم در آیات و روایات پرداخته در صورتی که نگارنده در این تحقیق به بررسی روش‌های تکریم هم در آیات و روایات و هم در منابع انسانی و روانشناسی پرداخته است.

نگاشته پیش رو که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی سامان‌دهی شده است، روش‌هایی برای تکریم شخصیت کودکان در خانواده ارائه کرده است. لذا درصدد است به این سوال اصلی پاسخ دهد که تکریم شخصیت کودک در فضای خانواده از چه روش‌هایی امکان‌پذیر می‌باشد؟

از آنجا که کودک تأثیرپذیری زیادی دارد و زیربنای شخصیت انسان در کودکی شکل می‌گیرد فلذا بررسی شیوه‌های تکریم شخصیت کودکان در خانواده اهمیت زیادی دارد. مهم‌ترین محورهای

مقاله پیش رو عبارت‌اند از بوسیدن و در آغوش گرفتن کودک، هم‌بازی شدن با کودک، مقایسه نکردن فرزندان با یکدیگر و رعایت عدالت میان کودکان.

مفهوم‌شناسی

در اینجا به بررسی معانی برخی از مفاهیم مورد نیاز در این پژوهش می‌پردازیم:

- ❖ «تکریم» در لغتنامه دهخدا به معنای بسیار آب گردیدن ابر، گرمی داشتن، نیک گرمی کردن و در لغتنامه‌های معین و عمید به معنای گرمی داشتن و بزرگوار شمردن است.^۱
- ❖ «خانواده» در لغت به معنای خاندان و اهل خانه می‌باشد و مجموعه افراد دارای پیوند سببی یا نسبی که در زیر یک سقف زندگی می‌کنند.^۲ و به مفهوم محدود آن عبارت است از یک واحد اجتماعی ناشی از ازدواج یک زن و یک مرد که فرزندان پدیدآمده از آنها، آن را تکمیل می‌کنند. هر خانواده از مجموعه‌ای از افراد تشکیل می‌شود که در پیوند خویشاوندی و زیستی باهم قرار دارند و معمولاً در یک خانوار زندگی می‌کنند.^۳
- ❖ «کودک» در لغت به معنای کوچک، صغیر و فرزند است که به حد بلوغ نرسیده است.^۴ از نظر عرف، دوره کودکی پس از نوزادی شروع می‌شود و تا رسیدن به سن قانونی ادامه می‌یابد. حد فاصل میان نوزادی و نوجوانی را در عرف عام دوره کودکی می‌گویند.^۵

۱- تکریم از طریق محبت

نیاز به محبت و تکریم نیازی فطری، روحی و روانی است که در همه انسان‌ها، به‌ویژه کودکان، وجود دارد. برخورد توأم با کرامت و محبت موجب سلامت روان و تقویت عزم نفس می‌شود. در این بخش به شرح مواردی چون بوسیدن، انتخاب نام نیکو، هم‌بازی شدن با کودک و عدم افراط و تفریط در محبت به کودک می‌پردازیم.

^۱معین، فرهنگ فارسی، ص ۱۱۲۶.

^۲معین، فرهنگ فارسی، ص ۱۳۹۴.

^۳مرکز اسلامی امام علی (ع)، تعریف خانواده از دیدگاه اسلام.

^۴معین، همان، ص ۳۱۱۷.

^۵گنجینه معارف، تعریف مفهوم کودک.

۱-۱- بوسیدن

یکی از راه‌های نشان دادن محبت و نزدیک کردن فرزند به خود، بوسیدن فرزند است. بوسه مظهر محبت است و به این وسیله، غریزه محبت ذات در فرد ارضا می‌شود. اگر کودکی به قدر کافی و به طور صحیح از مهر و نوازش برخوردار شود، روان‌شاد می‌شود و روحی امیدوار دارد. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «فرزندان خود را زیاد ببوسید، زیرا با هر بوسه برای شما مقام و مرتبتی در بهشت فراهم می‌شود که فاصله میان هر مقام ۵۰۰ سال است.»^۱

همچنین شخصی به پیغمبر (ص) عرضه داشت تاکنون بچه خود را نبوسیده‌ام. وقتی که رفت، حضرت فرمود: «این شخص با این سخت‌دلی از اهل آتش است. کسی که محبت و عاطفه به فرزند خود ندارد اهل بهشت نخواهد بود.»^۲

حدیث فوق، ارزش و اهمیت بوسیدن را می‌رساند، تا آنجا که ترک آن موجب خشم خدا خواهد بود و نشانه‌ای از سخت‌دلی انسان‌هاست. لذا بوسیدن کودک و فرزند از نشانه‌های اهل بهشت است و موجب رستگاری والدین می‌شود.

اهمیت بوسیدن و نوازش کودک تا جایی است که رسول اکرم (ص) وقتی در کوچه‌ها رفت‌وآمد می‌کرد بر سر کودکان دست می‌کشید و آن‌ها را نوازش می‌کرد.

روان‌شناسان معتقدند فرزندانی که در شش ماه اول تولدشان تماس فیزیکی بیشتری با مادر خود داشته‌اند در دوره نوجوانی از عزت نفس بیشتری برخوردارند.

درباره اهمیت تماس فیزیکی برای کودکان همین بس که روزی سلمان وارد خانه امیرالمومنین (ع) شد و حضرت زهرا (س) را دید در حالی که مشغول کارهای خانه بود و امام حسین (ع) داشت گریه می‌کرد. سلمان خواست امام حسین (ع) را در آغوش بگیرد، اما حضرت زهرا (س) فرمودند بچه به آغوش مادر محتاج‌تر است و از او خواستند تا در کارهای خانه کمک کند.

بوسه زدن، علاوه بر ابراز محبت، نشانه تقدس و احترام نیز هست؛ مثال بارز آن نیز بوسیدن قرآن، اماکن متبرکه مهر و... است. چنان‌که بوسیدن گلوی مبارک سیدالشهدا (ع) از سوی حضرت زینب (س) قبل از رفتن به میدان جنگ نیز چنین معنایی را منتقل می‌کند. بنابراین می‌توان گفت

^۱فائزی و آشتیانی، مبانی تربیت و اخلاق اسلامی، ص ۲۴۷.

^۲اکرمی‌نیا، الگوهای تربیت کودکان و نوجوانان، ص ۱۶۲.

این تقدس و احترام که مصادیقی خاص و متمایز دارد، در جنبه عمومی‌تر، فرزندان و کودکانمان را نیز شامل می‌شود. درواقع وقتی فرزندانمان را می‌بوسیم، علاوه بر ابراز محبت، به او می‌فهمانیم که به‌عنوان هدیه‌ای از جانب خداوند برای ما مقدس و قابل احترام است.

بوسیدن فرزندان از نظر سنی محدودیت خاصی ندارد، اما راه‌های ابراز علاقه با بزرگ‌تر شدن فرزندان و افزایش درک و فهم آنان متفاوت‌تر می‌شود و با توجه به بحثی که درباره زبان عشق مطرح است، باید ببینیم آیا فرزند نوجوان و جوان ما همچنان از تماس فیزیکی مثل در آغوش گرفتن و بوسیدن احساس رضایت‌مندی می‌کند یا اینکه دوست دارد روش‌های جایگزینی مثل تأیید کلامی پدر و مادر یا وقت گذاشتن آن‌ها برای شنیدن حرف‌هایش و... درباره او بیشتر به کار رود. طبق تربیت اسلامی، وقتی فرزندان بزرگ‌تر شدند، باید در این زمینه دقت بیشتری شود. از پیامبر گرامی اسلام (ص) روایت شده است: «هرگاه یکی از شما بخواهد زنان محارم خود (غیر از همسر) را که به سن بلوغ رسیده‌اند ببوسد (مثل خواهرش یا عمه یا خاله)، فقط سر یا بین دو چشمان او را ببوسد، نه لب‌ها و گونه‌هایش را».

در روان‌شناسی اسلامی درباره پسران نیز می‌گویند جایز نیست مادر وقتی فرزندش به سن بلوغ رسید، همانند کودکی خردسال او را در آغوش بفشارد و ببوسد، بلکه بهتر است دست در گردن او بیندازد یا با روش‌های دیگر به او ابراز محبت کند. با توجه به سیره معصومین (ع) و احادیث، درمی‌یابیم که حتی در سنین نوجوانی و بزرگسالی نیز این عمل محبت‌آمیز منحل نمی‌شود و همچنان یکی از راه‌های ابراز علاقه پدر و مادر به فرزند است، اما باید به‌گونه‌ای باشد که هیجانات جنسی فرزند را تحریک نکند و مغایر با تربیت اسلامی نباشد.

۲-۱- نام نیکو

اهمیت انتخاب نام برای فرزند تا حدی است که در قرآن کریم به آن اشاره شده است: «وَإِیُّ سَمَیْنَاهَا هَرِیمَ وَإِیُّ أُحِبُّهَا بِكَ وَذُرِّیَّتَاهَا مِنَ السُّبْحَانَ الرَّجِیمَ» و من او را مریم نام نهادم و او و فرزندان او را از شر شیطان رانده‌شده در پناه تو آوردم.^۱

امام علی (ع) می‌فرماید: «حق فرزند بر پدر آن است که نام نیکو بر فرزند نهد و او را خوب تربیت کند و به او قرآن بیاموزد.»^۱ نام نیکو و زیبایی که بامعنی باشد سبب می‌شود کودک مورد

^۱ آل عمران: ۳۶.

می‌شود. اگر پدران و مادران می‌خواهند حس رقابت را در کودکان زنده کنند، باید این عمل را به‌گونه‌ای غیرمستقیم و با ظرافت انجام دهند که نه سبب حسادت شود و نه سبب بی‌تفاوتی.

همچنین تکرار زبانی کمبودهای کودک سبب می‌شود کودک درصدد مقایسه خود با دیگران برآید و با داشتن نقص جسمی یا روحی، احساس حقارت کند. به این ترتیب، اگرچه والدین، کودک را با کسی مقایسه نکرده‌اند، اما کودک خود درصدد مقایسه برمی‌آید و حس حسادت را در خود تقویت می‌کند. اثر دیگر تکرار زبانی کمبودهای کودک این است که او از کسانی که وی را به‌دلیل نداشته‌هایش مذمت و سرزنش کرده‌اند متنفر شود و کینه آنان را در دل خود پیروراند.^۱

هرگز توانایی‌ها و ناتوانی‌های کودکی را با کودک دیگر مقایسه نکنید، زیرا مجموعه عواملی که موجب شکل‌گیری رفتار یک کودک می‌شود با کودک دیگر متفاوت است. شایسته است تأکید شود که منظور از مجموعه عوامل، عواملی است که از انعقاد نطفه تا زمان حیات کودک در فرایند رشد و تحول او در ابعاد گوناگون دخالت داشته‌اند یا دارند. این اصل از اهمیت خاصی برخوردار است و همواره به مادران و پدران توصیه می‌شود که حتی کودک را با خواهر یا برادر، پسرخاله و پسرعمه، دخترخاله و دخترعمه یا دوستانش مقایسه نکنید. کودک از غرور خاصی برخوردار است، لذا وقتی شما کودکی را با کودک دیگر مقایسه می‌کنید (به‌طور معمول، مقایسه براساس ضعف‌ها و ناتوانی‌ها صورت می‌گیرد)، درواقع به او بی‌احترامی می‌کنید، توانایی‌هایش را نادیده می‌گیرید و ضعف‌های او را به‌منظور تحقیر و سرزنش مطرح می‌کنید و به رخ می‌کشید. به‌طور مشخص، گاهی اوقات والدین، زمانه خودشان را با زمانه فرزندانشان مقایسه می‌کنند و اظهار می‌دارند که وقتی من بچه بودم هرگز این کار را نمی‌کردم یا زمانی که هم‌سن تو بودم همیشه این‌طور عمل می‌کردم. بدیهی است که ما اجازه نداریم خود و زمانه خود را با فرزندمان و زمانه او مقایسه کنیم.

به دیگر سخن، مقایسه کردن کودک یعنی نادیده گرفتن اصل تفاوت‌های فردی، یعنی خجالت دادن کودک و تحقیر کردن او. بنابراین توصیه می‌شود درصورت لزوم، کودک را با خودش مقایسه کنید. این مقایسه باید براساس توانایی‌های کودک در فضای صمیمانه و محرمانه صورت گیرد. و بدانید که با وجود شباهت‌هایی میان کودکان، هیچ کودکی به‌طور مطلق شبیه کودک دیگر نیست.^۲

^۱قاسمی، دوران طلایی تربیت، ص ۲۳۵.

^۲به‌پژوه، اصول برقراری رابطه انسانی با کودک و نوجوان، ص ۷۲.

۲-۴- عدم زیاده‌روی در توبیخ و تنبیه

توبیخ و تنبیه فرزندان تا حدی لازم است که آن‌ها متوجه اشتباهاتشان بشوند. اما زیاده‌روی در تنبیه، به‌خصوص اگر تنبیه بدنی باشد، تأثیر منفی روی آن‌ها خواهد گذاشت و اثربخش نخواهد بود. پدر و مادر باید ابهت خودشان را حفظ کنند و فرزندان را، با افراط در توبیخ، گستاخ و لجوج نسازند.

تنبیهی مفید است که سبب حجب و حیای بچه‌ها شود. اگر تنبیه سبب شود آن‌ها حیای خود را از دست بدهند و بر لغزش‌ها و اشتباهات خود اصرار ورزند، دیگر تنبیه نه‌تنها مفید نخواهد بود، بلکه اثرات منفی زیادی روی فرزندان خواهد گذاشت. هرگز فرزندان را بی‌گناه و یا بدون اثبات گناه تنبیه نکنید. همچنین سعیتان بر این نباشد که گناهی را بر آن‌ها اثبات کنید. آنچه بیش از تنبیه و کتک روی فرزندان اثر دارد اعمال و رفتار پدر و مادر است. فرزندان خیلی از چیزها را از پدر و مادر یاد می‌گیرند. این پدر و مادر هستند که چگونه زیستن و چگونه معاشرت کردن را به آن‌ها می‌آموزند. پس بهتر است پدر و مادر سرچشمهٔ تخلفات و اشتباهات فرزندان خود را پیدا کنند و عواملی را که سبب سرزدن اعمال خلاف اخلاق از آن‌ها می‌شود پیدا کنند و پیش از آنکه با فرزندان خود به‌خاطر انجام دادن آن اعمال برخورد کنند، با عوامل ارتکاب برخورد کنند و آن‌ها را از بین ببرند.

اگر پدر و مادر فرزندان خود را با رفتار خودشان و انجام کارهای شایسته تربیت کنند، موفق خواهند بود. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «کسی که خود را رهبر مردم قرار داد باید پیش از آنکه به تعلیم دیگران پردازد، خود را بسازد، و پیش از آنکه به گفتار تربیت کند، با کردار تعلیم دهد.» پدر و مادر درواقع الگو و سرمشقی برای فرزندان خود هستند. وقتی صفات پسندیدهٔ شایسته را ملکهٔ نفس خود کنند، به‌یقین، فرزندان‌شان هم از آن‌ها الگوبرداری می‌کنند و همان کارها را انجام می‌دهند.^۱

^۱ کریمی، کلیدها و تکنیک‌های طلایی تربیت برتر، ص ۱۶۵.

نتیجه‌گیری

بدون تردید، یکی از روش‌های صحیح تربیتی که در دوره کودکی هم نقش مهمی دارد، روش احترام و تکریم شخصیت است. تکریم شخصیت کودکان روش‌های مختلفی دارد اعم از تکمیل خانواده و یا تکمیل در اجتماع که نویسنده به روش‌های تکریم شخصیت کودکان در خانواده پرداخته است و با توجه به احادیث و مباحث روان‌شناسی، نگارنده در تحقیق پیش رو به این نتیجه رسیده است که اگر فرزندان در محیط خانواده مورد تکریم پدر و مادر باشند و از ابتدا به شخصیت آن‌ها احترام گذاشته شود و غریزه حب ذاتشان به‌نحو صحیح و به‌قدر کافی ارضا شود، این کودکان دارای روحیه‌ای طبیعی و روانی معتدل می‌شوند و زبون و فرومایه بار نمی‌آیند و در خود احساس حقارت و پستی نمی‌کنند. از چنین کودکانی می‌توان توقع اخلاق پسندیده و رفتار عادلانه داشت. در غیر این صورت، کودک روحی شکست‌خورده و روانی افسرده دارد و بدون تردید، این حالت درونی در خلال رفتار و گفتار کودک با وضع نامطلوبی آشکار می‌شود. چنین کودکی در معرض انحراف‌های گوناگون قرار می‌گیرد.

همچنین احترام و تکریم شخصیت آدمی از اصولی است که در فرایند تربیت باید رعایت شود، زیرا انسان نیازمند این است که دیگران برایش قدر و منزلتی قائل باشند و خودش را باقدرواقیم ببیند و در برخورد با قدردانی دیگران، این احساس را به دست آورد که دارای ارزشی است. لذا اگر کودک در درون احساس شخصیت و عزت کند، اعتمادبه‌نفس پیدا و در اجتماع، شأن و منزلت پیدا می‌کند و خود را سالم نگه دارد. اما اگر در درون احساس بی‌شخصیتی کرد، مستعد گرایش به انحرافات و کج‌رفتاری‌های اجتماعی می‌شود. لذا با توجه به آموزه‌های قرآن و نهج‌البلاغه، باید در اهمیت به شخصیت فرزندان از هیچ تلاشی دریغ نکرد و رفتار ائمه معصوم (ع) را در برخورد با کودکان الگوی خود قرار داد.

جا دارد که مراکز روان‌شناسی در این زمینه تحقیق بیشتری انجام دهند. همچنین پیشنهاد می‌شود برای مادرانی که فرزندان‌شان در مقاطع دبستان درس می‌خوانند، کارگاه‌های محبت‌افزایی تشکیل شود و در این زمینه، تحقیقات میدانی از مادران صورت بگیرد.

منابع

❖ قرآن.

❖ نهج البلاغه.

- ۳- ارگانی حائری، محمود، سلام در اسلام، جلد ۲، بی‌جا، چاپ ۱، ۱۳۷۵ ه.ش.
- ۴- افشاری، محمدحسین، «آسیب‌های محبت افراتی به فرزندان»، سایت خانه خوبمان، بی‌تا.
- ۵- پورتال امام خمینی، «امام و بچه‌ها»، ۱۷۷۶۴۶، ۱۳۹۹ ه.ش.
- ۶- به‌پژوه، احمد، اصول برقراری رابطه انسانی با کودک و نوجوان، تهران: دانژه، چاپ ۱۱، ۱۳۹۷ ه.ش.
- ۷- پاک‌نیا، عبدالکریم، امام محمد باقر علیه‌السلام سرچشمه دانش، بی‌جا: فرهنگ اهل بیت، چاپ ۱، ۱۳۸۸ ه.ش.
- ۸- حر عاملی، محمدبن‌حسن، وسائل الشیعه و مستدرکها، جلد ۲۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ ۱، ۱۳۹۱ ه.ش.
- ۹- حیدری، ناهید؛ پورشایگان، نوشین، تکریم و احترام به کودک، کرمانشاه: دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ۱۳۹۳ ه.ش.
- ۱۰- سادات، محمدعلی، راهنمای پدران و مادران: شیوه‌های برخورد با کودکان، جلد ۲، بی‌جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ۲۱، ۱۳۹۲ ه.ش.
- ۱۱- صالحان، جعفر، سلوک با فرزند، بی‌جا: تراث، چاپ ۸، ۱۳۹۵ ه.ش.
- ۱۲- عباسی ولدی، محسن، من دیگر ما: فرزند ما از ما جدانیست؛ او خود ماست اما در اندازه‌ای کوچک‌تر، قم: آیین فطرت، چاپ ۱۹، ۱۳۹۴ ه.ش.
- ۱۳- فائضی، علی؛ آشتیانی، محسن، مبانی تربیت و اخلاق اسلامی، قم: روحانی، چاپ ۱، ۱۳۷۷ ه.ش.
- ۱۴- قاسمی، محمدعلی، دوران طلایی تربیت، قم: نورالزهراء، چاپ ۶، ۱۳۹۴ ه.ش.
- ۱۵- کریمی، رضا، کلیدها و تکنیک‌های طلایی تربیت برتر، قم: نسیم حیات، چاپ ۵، ۱۳۹۱ ه.ش.
- ۱۶- کریمی‌نیا، محمدعلی، الگوهای تربیت کودکان و نوجوانان، بی‌جا: پیام مهدی، چاپ ۱، ۱۳۸۸ ه.ش.

۱۷- معین، محمد، فرهنگ معین، بی‌جا: زرین، چاپ ۳، ۱۳۸۶ ه.ش.